بررسی تطبیقی پیشینهٔ تاریخی شعر "قلب مادر"

نرگس محمدی بدر

استادیار دانشگاه پیام‌نور

چکیده

در پژوهش حاضر سعی شده نحوه رشد و حرکت یک سوژه انسانی در بستر بین‌المللی نشان داده شود. از بین نحله‌های موجود ادبیات تطبیقی، نحلهٔ "رمارک" مورد توجه قرار گرفت. رمارک این علم را نه یک رشتهٔ مستقل، بلکه دانشی "میان رشته‌ای" (**interdisciplinary**) و پلی میان آثار ادبی ملت‌ها می‌دانست. از میان روش‌های مطالعهٔ تطبیقی، شیوهٔ پیشنهادی جرج بردی که شامل چهار مرحله: توصیف (**description**)، تفسیر (**interperation**)، هم‌جواری (**juxtaposition**)، مقایسه (**Comparison**) است، ملاک قرار گرفته است. "قلب مادر" از اشعار ایرج‌میرزا، شاعر دوره مشروطه است که سالیان مدید توسط معلمان دلسوز کشورمان در کلاس‌های درس زمزمه می‌شود. "ژان ریش پن" سرایندهٔ اصلی این شعر و کشور فرانسه خاستگاه اصلی این اثر است. بررسی تطبیقی این سوژه از بُعد تیپ‌شناسی نشان می‌دهد، انسان‌ها، فارغ از تمامی افتراق‌ها ـ که برخاسته از تفاوت‌های فرهنگی آن‌هاست ـ همواره مشترکاتی دارند. مشترکاتی که از روح و روان انسانی و از زندگی اجتماعی آن‌ها نشئت گرفته است. ادبیات تطبیقی می‌تواند در جهت انتقال ذوق و احساس و عواطف و خرد انسان‌ها و ملت‌ها به یکدیگر، به منظور ایجاد ارتباط و پیوند میان اندیشه‌ها و ذوق‌ها و درک و فهم و تأثیر متقابل فرهنگ‌ها نقش‌آفرین و بالنده باشد.

کلیدواژه‌ها: شعر، ترجمه، قلب مادر، فرانسه، فارسی

تاریخ دریافت: ۸۵/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۸۶/۶/۲۳

مجلهٔ مطالعات و تحقیقات ادبی، سال دوم، شماره ۷ -۹ (پاییز ـ بهار ۸۴-۸۵)، صص ۷۵-۸۹

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]

[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]

[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

مقدمه

نزدیک دو قرن از پیدایش دانش "ادبیات تطبیقی" (comparative literature) در جهان دانش و اندیشه می‌گذرد. با نگاهی به مجموع تعریف‌های ارائه شده (بر اساس منابع قابل دسترس) می‌توان گفت که نکتهٔ مشترک و مورد اتفاق همهٔ صاحب‌نظران این دانش، همان است که ژان ژاک آمپر و پژوهشگران ادبیات تطبیقی بعد از او، به ویژه ام. اف. گویارد در عمل و نظر بدان پرداخته‌اند: "بررسی روابط ادبی میان ملت‌ها" (گویارد ،۱۳۷۴: ۱۶). این مفهوم بعدها گسترش می‌یابد و بعد از پشت سرنهادن فراز و فرودها و مجادله‌های فراوان، هنری رمارک بنیان‌گذار نحلهٔ آمریکایی ادبیات تطبیقی، آن را از محدودهٔ "روابط ادبی" به حوزه‌های دیگر معارف و علوم انسانی نیز می‌کشاند (خطیب، ۲۰۰۳: ۵۰).

امروزه گروه دیگری بر این باورند که ادبیات تطبیقی، گونه‌ای "روش‌شناسی" است که از طریق آن نفوذ و تأثیر متون به حوزهٔ فرهنگ‌های گوناگون مورد پژوهش و بررسی قرار می‌گیرد. ادبیات تطبیقی به عنوان شاخه‌ای از نقد ادبی قادر است شعاع عمل و بازتاب ادبیات و فرهنگ ملی را در ادبیات دیگر ملت‌ها بررسی کند. این انعکاس از طریق تأثیرگذاری و نفوذ شاعران و نویسندگان یک کشور بر دیگر کشورها مشخص می‌شود.

اما،آیا تأثیرپذیری از یک اثر، به معنای تقلید ادبی است؟ اصولاً باید متوجه بود که تأثیرپذیری از یک اثر بسط‌دهنده اندیشه‌های والا و ارزشمند متفکران و ادیبان یک ملت است اما، تقلید صرف نشانهٔ بسته بودن ذهن مؤلف است، زیرا مقلد از قالب سطحی یک اثر، نسخه‌برداری می‌کند و همواره روی به گذشته دارد. مؤلفی که به قصد تأثیرپذیری به یک اثر رجوع می‌کند در واقع با صاحب اثر به هم صدایی برمی‌خیزد و با خلاقیت خود و با اندیشه‌ای باز همراه با تجربیات گذشتگان اثری نو می‌آفریند که برآثار پیش از او برتری داشته باشد و این چنین به اثر خود رنگ استقلال می‌زند و خود را در حصار تقلید محدود

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

نمی‌کند، تا او نیز بتواند بر آیندگان تأثیر گذارد و برای آن‌ها الگو باشد و در پس زمان محو نگردد.

ادبیات تطبیقی، بوم‌شناسی انسان‌گرایانه و جهان‌نگری ادبی و مظهر تجلی جهان فرهنگی است (Bassnett, 1997: 3-40).

به طور کلی محققان علم ادب‌شناسی تطبیقی سه شیوه را در بررسی ارتباطات ادبی میان کشورهای جهان معرفی نموده‌اند:

۱. ارتباط ساختاری و ریشه‌ای

۲. ارتباط با تماس و برخورد

۳. ارتباط به لحاظ تیپ‌شناسی

نوع سوم، ارتباط تیپولوژیکی است که همه کشورهای جهان را در بر می‌گیرد، زیرا مردم تمام کشورها، اگرچه ازجهت ظاهر و جنبه‌های صوری با یکدیگر متفاوت هستند، ولی از لحاظ جنبه‌های روحی و روانی به عنوان انسان و به‌طورکلی ساختارهای اجتماعی به یکدیگر شبیه‌اند: مانند ادبیات غرب و شرق (Konrad,1966: 31).

به طور کلی انتقال یک اثر از کشوری به کشور دیگر به کمک سه عامل صورت می‌گیرد: انتقال‌دهنده، واسطه، انتقال‌گیرنده. واسطه می‌تواند مترجم باشد که نقش بسیار مهمی را در برقراری ارتباطات علمی، فرهنگی و ... ایفا می‌نماید.

ادبیات فارسی و ادبیات فرانسه در شمار غنی‌ترین و پربارترین ادبیات‌های جهان قرار دارند. در پهنه این دو ادب، شعرا و نویسندگان بزرگی مطرح شده‌اند که همواره مورد توجه محققان، دانش‌پژوهان و ادب دوستان جهان قرار گرفته‌اند، در این میان شاعرانی چون ایرج‌میرزا، شاعر بزرگ عصر مشروطه و ژان ریش پن (Joan Rich Pin) شاعر بزرگ فرانسه نیز مطرح هستند.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

در این پژوهش، محقق نحوهٔ ورود یک اثر به عرصه جهانی و حرکت آن از کشوری به کشور دیگر توسط ادیبان و شاعران سایر ملت‌ها را مطرح می‌نماید.

به راستی چه عواملی موجبات پذیرش این موضوع را در عرصه بین‌الملل فراهم نموده است؟ چه آثاری، با کدام خصایص بیشتر مورد توجه عموم مردم جهان قرار می‌گیرد؟

بررسی‌های پژوهنده نشان داده است، هرگاه مؤلف در اثر خود به صورت عام، به موضوعات اصلی زندگی انسانی توجه کند و شالودهٔ اثر نیز با مباحث مهم زندگی بشر ارتباط داشته باشد، آن سوژه می‌تواند مرزهای خودی را به راحتی در نوردیده و به سوژه‌ای بین‌المللی بدل شود. موضوع "قلب مادر" ریش پن به لحاظ پرداختن به مفاهیم عام بشر ـ فارغ از تفاوت‌های ظاهری ـ همواره مطرح بوده است و در عرصه جهانی نیز می‌توان آن را از جهت تیپولوژیکی با آثار مشابه تطبیق داد.

با مطالعهٔ آثار به دست آمده از فرانسوی‌ها، روس‌ها، ارمنی‌ها، اکراینی‌ها، ازبک‌ها، بلغارها، ایرانی‌ها، تاجیک‌ها و افغان‌ها درمی‌یابیم که همه آن‌ها یک موضوع را انتخاب کرده و مطابق پسند و سلیقه و فرهنگ مردم خود تغییر داده‌اند و بن‌مایهٔ اصلی اثر (قلب مادر) علی‌رغم نقل و انتقال‌های بسیار و ورود به سایر ادبیات‌ها اعم از غربی و شرقی هم‌چنان محفوظ مانده است. در واقع بدون توجه به توصیفات فردی که ظواهر امر و صورت آثار را از هم مجزا ساخته است، منبع اصلی تمام این آثار به طور مستقیم یا غیر مستقیم اثر ژان ریش پن یعنی، "قلب مادر" است.

بحث و بررسی

در سال ۱۸۸۱ م. نویسنده فرانسوی ژان ریش پن(Jaon Rich pin) (۱۹۲۶- ۱۸۴۹) رمان مشهور خود را با عنوان "La glu" منتشر کرد. این اثر مورد استقبال فراوان خوانندگان فرانسوی قرار گرفت و در اندک زمانی به چاپ هشتم رسید. موضوع رمان ریش پن، جوانی

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

روستایی و شرح نادانی‌ها، پیمان‌شکنی‌ها و بی‌رحمی‌های اوست. نویسنده دو سال از عمر خود را صرف نگارش اثر کرد و آن را به پادشاه فرانسه، شاه برنارد تقدیم کرد.

ریش پن موفق شد برای رمان خود موسیقی ترتیب دهد و آن را به صورت درامی موسیقیایی و آهنگین نیز عرضه کند. مطابق با رمان، در درام نیز داستان را از زبان راوی و از زاویه دانای کل نقل کرد. سپس حاصل آن به صورت ترانه‌ای باشکوه دربارهٔ قدرت بخشش "قلب مادر" عرضه شد.

ترانهٔ قلب مادر با سرعتی غیر قابل باور توانست در عالم موسیقی جایگاهی اختصاصی کسب نماید، این امر مقارن با زمانی بود که رمان نیز موفق شد تمام فرانسه را تسخیر کند. بی‌شک از عوامل پذیرش اثر، موسیقی شارل گون بود که موجب گشت، بسیاری از خوانندگان آن زمان، آن را به اجرا درآورند و در برنامهٔ فعالیت‌های هنری خود قرار دهند.

به دنبال این موفقیت‌ها رمان ریش پن مورد توجه مردم روسیه قرار گرفت و بارها به زبان روسی ترجمه شد.

قلب مادر در روسیه

نخستین ترجمه از این رمان در روسیه در سال۱۸۸۲ م. یعنی، بلافاصله پس از چاپ اثر در فرانسه (۱۸۸۱ م.) صورت گرفت. این ترجمه با عنوان "مگنیت" (Magnit) در نشریهٔ "پیک روسی" منتشر شد. مترجم توانست به همراه ترجمه، شرح مختصری از بخش نخست رمان را نیز ضمیمه کند (مگنیت، پیک روسی، ۱۸۸۲، شماره ۱۴). در سال ۱۸۹۱ ترجمه دیگری از این اثر به زبان روسی با عنوان "تینا" (Tina)، اما در شهر پاریس منتشر شد، پس از آن درام ریش پن با عنوان "وام پیر" (Vam pier) در سال ۱۹۰۰م. در مسکو، پایتخت روسیه، به چاپ رسید.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

ترانه قلب مادر ابتدا از زبان فرانسه به روسی ترجمه شد. ترجمه دوم براساس نثرهای بازنویسی شده و اشعاری که در درام وجود داشت انجام شد که ترجمه آن چندان نیز موفقیت‌آمیز نبود.

در سال ۱۹۱۴م. ژان ریش پن موفق به دیدار از سن پطرزپورگ شد. در آن‌جا بود که مجله "چشم‌انداز جهان" مقاله کوتاهی را به معرفی وی اختصاص داد، در این نوشتار سعی شد با ذکر شواهدی چند، میزان خلاقیت و توانمندی ادیب فرانسوی نشان داده شود.

در این اثر نوشته شد: «حتی با یک ترانهٔ کوتاه نیز می‌توان ترنم احساسات را به تصویر کشید. می‌توان با یک نغمه پراحساس نیز خدمتگزار مردم بود» و ریش پن صاحب چنین استعدادی بود (چشم‌انداز جهان، ۱۹۹٤، ش ۲٦۳: ۱۹). به این طریق ترانه ریش پن به طور مستقل به حیات ادبی خود ادامه داد و در کشور روسیه شاعران به آن توجه شایانی نمودند.

بررسی محتوای مجلات ادبی ـ هنری آغاز قرن بیستم مؤید توجه گسترده ادبا به اثر ریش پن "La chanson de Marie des Anges" است.

در میان ترجمه‌های انجام شده می‌توان به عنوان نمونه به چند اثر اشاره کرد : ترجمه س. رافائلوویچ (۱۹۰۱)[۱]، ترجمه ویو. زاگولیایوی (۱۹۰۴)[۲]، ترجمه ایلی گوروویچ (۱۹۰۶)[۳] ترجمهٔ واویدووا (۱۹۱۱)[۴]، ترجمهٔ وینیتسیووا (۱۹۱۲)[۵] و ترجمه آ. پتروواا(۱۹۱۳)[۶].

در این ترجمه‌ها اغلب نشان داده شده که منبع ترجمه، به طور مستقیم شعر ریش پن است. البته پیش از زمان‌های مذکور، یعنی در سال ۱۸۸۳م. در روزنامهٔ "هفته"، شعر "قلب مادر" توسط ن. شدرووا به چاپ رسید. این اثر از جهت سوژه کاملاً با شعر ریش پن مطابقت داشت. بررسی محتوای اثر نیز کاملاً مؤید این ارتباط است. البته این احتمال نیز وجود دارد که این اثر، اشعار ریش پن، با یکسری تغییرات باشد. چنان‌چه اثر شدرووا به زمانی قبل از زمان تألیف ریش پن(۱۸۸۱) تعلق داشت، می‌توانستیم احتمال دهیم که او از منبع دیگری بهره جسته است، اما زمان خلق اثر (۱۸۸۳) این فرضیه را رد می‌کند و ما را مطمئن می‌سازد

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

که در ادبیات مکتوب جهان صرفاً ریش پن به این موضوع پرداخته و اثر دیگری مطرح نیست. در هر حال، این امر ارزش و اهمیت ترجمه‌های آزادی را که بر اساس اثر ریش پن تهیه شده است به ما گوشزد می‌کند.

اما نزدیک‌ترین و شبیه‌ترین ترجمه به ترانهٔ ریش پن که توانست تمام بخش‌های ساختاری و مهم را از شعر فرانسوی در خود حفظ نماید، متعلق به آ.آ. موسسار ویکن تیف (۱۹۱٤) است. سپس این اثر توسط ویکتور خنگین، ترانه‌ساز معروف آن زمان، به طور کامل در روسیه ارائه شد. این اقدام دقیق و هنرمندانه موجبات شهرت و دوام بیشتر "قلب مادر" را فراهم آورد (Rozen feld. A, Z.1963: 40).

در واقع ماهیت این سوژه توسط ریش پن بنیان نهاده شد، سپس به جهت استقبالی که از آن گردید حیات و موجودیت آن در ادبیات سایر ملل جهان تداوم یافت و تثبیت شد.

اثر ریش پن حاوی حقایقی بود که در مواردی مصداق و مثلی شد برای بیان درجه ایثار و از خودگذشتگی مادران.

قلب مادر در ارمنستان

در پاره‌ای از ترجمه‌ها نیز تغییراتی در محتوای اثر ایجاد شد، به گونه‌ای که حتی در بعضی آثار موضوع استقبال مادر از مرگ ـ خودکشی مادر ـ نیز مطرح شد که البته ارتباطی با اصل اثر ریش پن نداشت.

تا آن‌جا که شاعر خوش‌قریحهٔ ارمنی، آوتیک عیساکیان (Issakiyan)، بر اساس این موضوع دو اثر ارزشمند خلق کرد؛ "منظومهٔ مادر" (روایت مفصلی که درسال ۱۹۰۷م. سروده شد) و دیگر شعر "قلب مادر" که با عنوان فرعی "روایت مردم ارمنی" (در سال ۱۹۱۹م. در ژنو) نوشته شد. مترجم در ترجمه خود تغییراتی اندک ایجاد کرد، که در ادامه به قسمت‌هایی از ترجمه عیساکیان (روایت مردم ارمنی) اشاره می‌شود:

«در پاسخ به دختر، پسر برای آوردن قلب مادر راهی می‌شود. نخستین بار با دست خالی باز می‌گردد، معشوق او را با خشم از خود می‌راند. پسر برای بار دوم راهی

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

می‌شود. آهویی را کشته و قلب آن را برای دختر به ارمغان می‌آورد، اما دختر متوجه حیلهٔ پسر شده و باز تقاضای خود را تکرار می‌کند. برای سومین مرتبه جوان عازم می‌شود، مادر خود را می‌کشد و قلب وی را بیرون می‌کشد اما، در راه بر زمین می‌افتد و قلب از دستش رها می‌شود آن گاه می‌شنود که "قلب" (مادر) او را مورد خطاب قرار می‌دهد: آه!!! ناراحت شدی پسرم؟ آسیب دیدی پسرم؟» (Rozen feld.A.Z, 1963: 406).

در"منظومهٔ مادر" عیساکیان، این سوژه به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌شود. در این اثر عروس بی‌رحم از شوهر خود می‌خواهد که مادر را از خانه بیرون کند و مادر پیر را در سختی رها کند. شوهر تسلیم این امر شده، مادر را در سورتمه گذاشته به جنگل می‌برد. بدین شکل این منظومه با ابیات زیر به پایان می‌رسد:

«نیمه‌های شب در جنگلی متروک، افکند بارخویش به زیر درخت کاج، بی‌هیچ نگاهی به سوی عقب! بازگشت، و در بازگشت، در راه باریک جنگلی، آن‌گاه که باد پاییزی فریاد سر می‌داد، آنجا که گرگ مدام زوزه می‌کشید ناگاه، صدای مادر را شنید! و رهگذر ایستاد: سفر بخیر، خدا یارت، پسرعزیزم مواظب باش! مراقب سنگ‌ها باش!» (Issakiyan, 1952: 174).

و این دومین برداشت از موضوع "قلب مادر" است، که جرم پسر برخاسته از شهوت‌پرستی او نیست، بلکه برای خلاص‌شدن از دست مادر است.

شعر قلب مادر در اکراین

نویسنده اکراینی ام. ام. کاتسیوبینسکی (Katsiuobinski.M.M) در نوولی با عنوان "در کتاب زندگی چه نوشته شده است" نیز تغییراتی در اثر ریش پن اعمال کرده و می نویسد:

«پیرزن در حالی که متوجه سربار بودن خود است از پسرخود، پوتاتس، می‌خواهد که وی را به جنگل ببرد. پسر در حالی که، با خانواده‌اش در فقر و فاقه با حالتی نکبت‌بار

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

زندگی می‌کند، پس از مدت طولانی تصمیم می‌گیرد خواسته مادر را اجرا کند. با اضطراب او را در یک سورتمه قرار می‌دهد و به جنگل می‌برد، و مادر را در جایی خلوت زیر درختی قرار می‌دهد و روی او را می‌پوشاند. مادر به فرزند می‌گوید: "لازم نیست، رواندار را به خانه ببر، درخانه به کار می‌آید". پوتاتس عقب عقب می‌رود، سر اسب خود را به سمت خانه برمی‌گرداند و در حالی‌که مه همه جا را فرا گرفته حرکت می‌کند، در میان کلوخ‌ها، و ریزش برف، که او و اسبش را کاملاً در بر گرفته سرانجام به عقب باز می‌گردد به دنبال مادر» (Katisiuobinski, 1951: 250-261).

با توجه به بن‌مایه‌های فولکلوریک اکراینی این موضوع در شعر دمیتری کردینا (Kerdina) پرورش داده شده و تغییراتی نیز در آن اعمال گردید، درحقیقت آثار اکراینی (۱۹۴۵-۱۹۰۷) دربارهٔ "قلب مادر" که در آن جهان‌بینی اکراینی مشهود است به گونه‌ای است که دقیقاً سوژه ریش پن را برای ما تداعی می‌کند:

«قزاق از دختر می‌پرسد، چه وقت، وی را دوست خواهد داشت. دختر پاسخ می‌دهد: "من دوست دارم آن کسی را که قلب مادرش را برای من هدیه بیاورد". قزاق سینه مادر را شکافت و دل او را بیرون کشید. اشک در چشمانش جمع شد در ایوان پشتی خانه پای قزاق به مانعی برخورد کرد، دل خونین مادر روی آستان در غلطید. ناگاه آوایی با سوز و گداز شنیده شد، آه پسرعزیزم! تو را چه شد؟ صدمه دیدی؟» (Kerdina.D, 1959: 37-38).

قلب مادر یا حقیقیت بلغاری

در ژانویه ۱۸۸۵ توسط پ. و. شوماخر (Shumakher.p.v)(۱۸۹۱- ۱۸۱۷) شعری با موضوع "قلب مادر" و با عنوان فرعی حقیقیت بلغاری" نوشته شد، که درآن تمام جزئیات ترانه ریش پن به تمامی تکرار می‌شود، دخترکه نامش مار است (Mar) به عاشق می‌گوید:

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

«برخیز بـه نزد مادرت برو سـینه‌اش را پاره کرده و قلب او را برای بازِ من بیاور تا وقتی از آن خسته و عصبانی شدم بـاز خشمگین را بـا آن سیرکنم بعد منتظر باش جـواب را و امیدوار باش که دوستت بدارم ...» (Shumakher,1937: 232).

شعر قلب مادر در ایران

در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ هجری شمسی به طور غیر معمول رمانس[۷] "قلب مادر" مورد استفاده شاعر معروف فارسی‌زبان، ایرج‌میرزا قرار گرفت و شهرت یافت. این ترانه توانـست بـه طـور جدی به فولکلورهای فارسی راه بیابد و با مردمی‌ترین رویکرد گسترش یابد.

تحقیقات به عمل آمده از نحوه پیدایش شعر قلب مـادر در ایـران نـشان داد مجلـه ادبـی ـ هنری "ایرانشهر" که به زبان فارسی در برلین منتـشر مـی‌شـد، در سـال ۱۹۲۳ کنکـوری بـرای انتخاب بهترین شعر سروده شده در موضوع "قلب مادر" ریش پن برگزار کرد. در این کنکور بسیاری از شاعران فارسی‌زبان شرکت نمودند، و شعر ایرج‌میرزا به عنوان بهترین اثـر انتخـاب شد.

ایرج‌میرزا در شعر خود موفق شد دقیقاً جملاتـی را کـه مجلـه بـر اسـاس موضـوع مطـرح کرده بود به کار گیرد. این در حالی بود که صرفاً تعداد معدودی از رجـال ادبـی موفـق شـده بودند "قلب مادر" ریش پن را به صورت کامل به فارسی بیان نمایند (ایرانشهر، ۱۹۲۳، بـرلین، ش ۴: ۲۴۶).

شـعر "قلـب مـادر" ایـرج‌میـرزا بـه سـرعت در مجموعـه‌هـای فارسـی وارد شـد، در واقـع ترجمه‌هایی که در کنکور مجله ایرانشهر توسط دیگر شعرا سروده شده بود، کمک نمـود تـا این اثر در ایران تثبیت شود.

نویسنده و شاعر فارسی‌زبان، یحیی دولت آبادی با اقتباس از ایرج‌میرزا توانست شعری با عنوان "قلب مادر" بنویسد. وی از موضوع اول خارج شد و با استقلال تمام به نـوع دوم سـوژه پرداخـت و بـدین طریـق دولـت‌آبـادی توانـست جـایی در کنـار خلاقیـت عیـساکیان

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

وکاتسیوبیتسکی به خود اختصاص دهد، با این تفاوت که وی در ساخت بن‌مایه‌های خود جرم پسر را حرص دانست. او مادر را می‌کشد برای آن‌که سکه‌های طلا را تصاحب نماید.

به طور کلی روح مادر دوستی در آثار ایرج، از سنتی کهن تغذیه می‌کند. قصد شاعر از تبلیغ مهر مادری، تعلیم و تربیت صحیح کودکان است. قطعاتی که ایرج در این باب، سروده است از لحاظ حسن تأثیر در ادب فارسی بی‌نظیر است:

شب‌ها بر گاهوارهٔ من بیدار نشست و خفتن آموخت
یک حرف و دوحرف بر زبانم الفاظ نهاد وگفتن آموخت

(محجوب،۱۳۴۲: ۱۶۷)

مهر مادری و ادای سپاس و احترام به مادر، همواره در آثار ایرج میرزا، جایگاهی خاص داشته است؛ تا جایی که برخی او را "شاعر مادر" لقب داده‌اند. ایرج میرزا با بیان زیبایی که برخاسته از احساسات پاک شاعرانه اوست، در توصیف مادر ابیاتی می‌سراید که بعدها با عنوان "قلب مادر" شهرت می‌یابد و زبانزد همگان می‌شود:

«قلب مادر»

داد معشوقه به عاشق پیغام که کند مادر تو با من جنگ
هر کجا بینمدم از دور کند چهره پر چین و جبین پرآژنگ
مادر سنگ‌دلت تا زنده است شهد در کام من و توست شرنگ
نشوم یکدل و یکرنگ تو را تا نسازی دل او از خون رنگ
گر تو خواهی به وصالم برسی باید این ساعت بی‌خوف و درنگ
روی و سینه تنگش بدری دل برون آری از آن سینه تنگ
گرم و خونین به منش بازآری تا برد ز آینه قلبم زنگ
عاشق بی‌خرد ناهنجار نه بل آن فاسق بی‌عصمت و ننگ
حرمت مادری از یاد ببرد خیره از باده و دیوانه ز بنگ
رفت و مادر را افکند به خاک سینه بدرید و دل آورد به چنگ

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

قصد سر منزل معشوقه نمود — دل مادر به کفش چون نارنگ
از قضا خورد دم در به زمین — اندکی رنجه شد او را آرنگ
و آن دل گرم که جان داشت هنوز — اوفتاد از کف آن بی‌فرهنگ
از زمین باز چو برخاست نمود — پی برداشتن آن آهنگ
دید کز آن دل آغشته به خون — آید آهسته برون این آهنگ
آه دست پسرم یافت خراش — وای پای پسرم خورد به سنگ

(ایرج‌میرزا، ۱۳۵۵: ۷۸)

در قطعهٔ فوق شاعر قافیه‌هایی چون: جنگ، خدنگ، سنگ، ننگ، زنگ، شرنگ، تنگ را برای بیان اختلاف حاکم میان عروس و مادر استفاده نموده است.

تأثیر فرهنگ اسلامی و آداب و رسوم ایرانی در شعر ایرج‌میرزا با بیان ارتباط غیر مستقیم عاشق با معشوق یعنی، "دادن پیغام" مشهود است:

داد معشوقه به عاشق پیغام — که کند مادر تو با من جنگ

با توجه به باورها و سنن ایرانی، عمل فرزند نسبت به مادر تا آن درجه زشت و ناپسندیده است که ایرج وی را متّصف به اوصافی چون بی‌خردی، فساد، فحشا، مصرف مواد افیونی و...می‌نماید تا از این طریق ضمن نشان دادن زشتی عمل در نظر ایرانیان، به نوعی، ساحت ایرانی را از اقدام به چنین اعمالی نسبت به مادر مبرّا سازد:

عاشق بی‌خرد ناهنجار — نه بل آن فاسق بی‌عصمت و ننگ
حرمت مادری از یاد ببرد — خیره از باده و دیوانه ز بنگ

نتیجه‌گیری

خانلری در خصوص رشد و تکامل ادب فارسی و بهره‌گیری و الهام ادیبان ایرانی از ادبیات اروپایی معتقد است: نویسندگان ایرانی از ادیبان اروپایی سرمشق گرفتند و ترجمه آثار ادبی اروپا از مهم‌ترین عوامل تجدید حیات ادبیات فارسی بود (خانلری، ۱۳۲٦: ۱۳۲).

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

به طور کلی برای خروج از انزوا و عزلت، ادبیات ملی، باید به عنوان جزئی از کل بنای میراث ادبی جهان در معرض افکار و اندیشه‌ها قرار گیرد؛ به عبارت دیگر وظیفه ادیبان بیرون آمدن از مرزهای خودی و پیوستن به جرگه ادبیات جهانی است. "قلب مادر" سوژه‌ای بود که به شکل کامل در سطح وسیع در ادبیات ملت‌های مختلف گسترش یافت. این امر یک بار دیگر شاهدی است بر تداوم تغییرات فرهنگی و گواهی است بر تغییرات دائمی ارزش‌های فرهنگی، نه تنها در غرب و در شرق، بلکه در میان غرب و شرق.

آثار به جا مانده از ادیبان و شاعران بزرگ حاکی از آن است که هر یک به تناسب وسعت اندیشه و شرایط تاریخی و اجتماعی زمانه خویش مسائل و مشکلات اجتماعی را تحلیل نموده‌اند و راه‌حل‌ها و توصیه‌های گوناگونی ارائه داده‌اند.

ایرج در شمار شاعرانی است که مسائل اجتماعی را با زبانی زیبا بیان داشته است، وی به لحاظ دانستن زبان فرانسه، موفق شد به‌طور مستقیم و بدون کمک واسطه، شعر ریش پن را به زبان فارسی بازآفرینی کند. محبوبیت شعر ایرج میرزا در میان فارسی زبان‌ها نشان داده است که، هر چه ادبیات نیرومندتر و بالنده‌تر باشد، محصول ارتباط بین‌المللی به فراخور آن کامل‌تر و جاودانه‌تر خواهد بود.

شعر "قلب مادر" ایرج، بی‌شک در شمار جاودانه‌های ادب این مرز و بوم است و همواره نیز خواهد بود. چرا که شاعر پرمایهٔ ایرانی توانست با استفاده از سرمایهٔ ملی و پیشینهٔ غنی ادبیات فارسی این اثر را کاملاً از آن خود نماید و به آن رنگ ایرانی ارزانی دارد.

از بررسی و تطبیق آثار ملهم از شعر "قلب مادر" ریش پن درمی‌یابیم:

۱. در کلیه آثار "مادر"، سمبل عطوفت و گذشت است.

۲. معشوقه، شخصیتی بی‌رحم و قسی‌القلب دارد و تنها مرگ مادر است که او را از عشق عاشق نسبت به خود مطمئن می‌کند.

۳. در کلیهٔ موارد پسر جاهلانه، شیفتهٔ معشوق است.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

۴. مادر از سوی معشوق مانع و سد راه خوشبختی قلمداد شده است.

۵. "قلب مادر"، در آثار مختلف به عنوان هستهٔ اصلی مطرح شده است.

۶. اغماض و چشم‌پوشی مادر در برابر بی‌وفایی و اشتباه فرزند، نقطهٔ اوج همهٔ آثار است. بر این اساس ادبیات در همه جا یکی است، همان‌گونه که هنر و بشر یکی است.

از پیامدهای ادبیات تطبیقی وسعت بخشیدن به ادبیات قومی و ملی و ایجاد تعامل و تعادل و برابری فرهنگی است، که موجب نزدیکی ملت‌ها و اقوام به یکدیگر و چه بسا منجر به وحدت ملی و وحدت نسبی عالم انسانی می‌گردد.

پی‌نوشت

۱. *قلب مادر*، سن پطرزبورگ، ۱۹۰۱

۲. *ترانه قلب مادر*، درسطح گسترده، سن پطرزبورگ، ۱۹۰۴

۳. *منظومه‌ای از ریش پن*، سن پطرزبورگ، ۱۹۰۶

٤. *قلب مادر*، پرتوروشن، فوریه، ۱۹۱۱

۵. *مجموعه اشعار*، سن پطرزبورگ، ۱۹۲۶

۶. *قلب مادر*، ژان ریش پن، آتش، ۱۹۱۳، شماره ۲۹

۷. رمانس: شعر آهنگین کوتاه، یا درامی است که بخش‌هایی ازآن با آواز خوانده شود. این نوع ادبی در اغلب موارد به صورت مجمل به بیان موضوعاتی از زندگی و یا یک ماجرای عاشقانه می‌پردازد (Timofeof. L. i.vengrof.H.1963: 132).

منابع

آجودانی ماشاءا... (۱۳۸۲). *یا مرگ یا تجدد* (دفتری در شعر و ادب مشروطه)تهران: اختران.

آرین پور، یحیی. (۱۳۵۱). *ازصبا تا نیما*. جلد۲. چاپ دوم. تهران: جیبی و زوار.

ایرانشهر. (۱۹۲۳). ش۴. برلین.۲۰۲-۲۴۶.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]
[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]
[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]

ایرج میرزا. (۱۳۵۵). *کلیات دیوان*. تهران.

بهار، ملک الشعراء. (۱۳۵۸). *دیوان ملک‌الشعرای بهار*. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.

حائری، سید هادی (کورش). (۱۳۶۸). *افکار و آثار ایرج میرزا*. تهران: جاویدان .

ـــــــــــــــــــــــــ . (۱۳۷۰). *گنجینه ذوق و هنر ایرج*. تهران: جوان.

خطیب، حسام. (۱۴۲۴ هـ.ق /۲۰۰۳ م).*آفاق الادب المقارن*. عربیا و عالمیا. مصر: دارالفکرمعاصر.

گویارد، ام . اف. (۱۳۷۴). *ادبیات تطبیقی*. ترجمهٔ علی‌اکبرخان محمدی. تهران: پاژنگ.

محجوب، محمدجعفر. (۱۳۴۲). *تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا*. تهران: شرکت.

ناتل‌خانلری، پرویز. (۱۳۲٦). *نثر فارسی در دوره اخیر*. (نخستین کنگره نویسندگان ایران). تهران.

یاسمی، رشید. (۱۳۱۶). *تاریخ ادبیات معاصر*. تهران: روشنایی.

A Dictionery of Cultural and Critical Theory.(1996). Edited by Michael Payne Black well.

Bassnett, Susa. (1997). *Comparative Litreture: A Crritical Intrtoduction* Blackwell.

Issakiyan .A. (1952). *Ezobrannoy prezvedeniea*. Moscow.

Katsiuobinski .M.(1951). *zbornik sochenenea*. Moscow.

Kerdina.d. (1959). *stiknotavareniea i poemi*. Moscow.

Konrad.n.u. (1966). *zapad u vastok*. Moscow

Rozenfeld. A. Z.(1963). *mejdunarodni sviazi Roskoi literature*. zbornik statae – nauk. Moscow

Shumakher. P.V. (1937). *stuknotavareniea poemi*. Sovetski Pisatel. Moscow.

Timofef. L, i.vengrof.H. (1983). *Kratkii Slovar Literaturovedcheski terminof*. Moscow.

[Downloaded from c4i2016.khu.ac.ir on 2024-05-04]

[DOR: 20.1001.1.17359732.1385.3.7.4.0]

[DOI: 10.52547/jls.3.7.75]